

زمینه سازی ظهور با تمدن اسلامی از طریق الگوسازی

ضرورت زمینه سازی برای ظهور

امام زمان می آید انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه ای آماده، اقدام فرماید. **از صفر که نمی شود** شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصّلاة و السّلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم در باره ی او نتوانست ریشه ی بدی را بخشکاند؟

خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند! «قتل فی محراب عبادته لشّدّة عدله». تاوان عدالت امیر المؤمنین، جان امیر المؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه ی نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیر المؤمنین صف آرایی کردند کسانی بودند که زمینه های دینیشان زمینه های مستحکم و مادّی غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این طور فاجعه به بار می آورد! آن وقت اگر امام زمان علیه الصّلاة و السّلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد.¹

حرکت خود مردم شرط اصلاح جوامع

انسانها اگر چنانچه درست حرکت نکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت بکنند، پس رفت خواهند داشت، که در قرآن هم به هر دوی اینها اشاره شده. در سوره ی مبارکه رعد [میفرماید]: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**؛ (۱۰) که سیاق آیات نشان میدهد که [این آیه]، آن جنبه ی مثبت را بیان میکند، یعنی وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیتهای مثبت را به وجود می آورد. دوّمی در سوره ی انفال است: **ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**؛ (۱۱) این جنبه ی منفی است، جنبه ی عقب گرد است، که اگر چنانچه خدا نعمتی به یک ملّتی داد و این ملّت درست حرکت نکردند، درست عمل نکردند، خداوند این نعمت را از اینها میگیرد. شما در دعای کمیل هم میخوانید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ**؛ (۱۲) این تغییر نعمت، یعنی سلب نعمت، چیزی است که ناشی از اراده است (۱۴/۰۳/۱۳۹۹)

زمینه سازی یعنی ایجاد ایمان آگاهانه در مردم

« آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (285) »^۲

مهمترین شاخصه و تفاوت رهبران الهی و پیروانشان با رهبران غیر الهی، ایمان و اعتقاد راسخ به مسیر و هدف است و رهروان این مسیر باید مجهز به ایمانی آگاهانه باشند که مسیر دستیابی به این ایمان آگاهانه تفکرات (کتاب طرح کلی - ص 85)

تا اینجا چه فهمیدیم از این آیات؟ این نکته را که ایمان و باور، خاصیت وابستگان به دعوت اسلام است. آدمهایی که ایمانی ندارند، باوری ندارند، فقط چون دیگران رفتند، اینها هم احتیاطاً دارند میروند، اینها در حوزه قلمروی فکر اسلامی داخل نیستند، رودربایستی هم ندارند، ایمان لازم است. ایمان یعنی باور، به وضوح مطلب را پذیرفتن و قبول کردن، یعنی دنبال یک جاذبه حرکت کردن. اگر این جاذبه در مکتب دین و قرآن نباشد و دل تو را تسخیر نکرده باشد؛ یعنی اگر ایمان در این دل نباشد، این دلمرده است، زنده به نور اسلام نیست، نمیشود به آن گفت مُسْلِم. پس ایمان لازم است.^۳

ما می‌خواهیم مردم دنیا را به دین اسلام معتقد کنیم؛ از راهی غیر راهی که انبیا وارد شدند، وارد می‌شویم؛ باید توحید را مطرح کنیم، همان توحیدی که انبیا مطرح کردند. اگر نتوانیم در افق جهانی، در سطح بین المللی، آن رستاخیز را به وجود بیاوریم، اگر البته به این آسانی‌ها هم نمی‌توانیم، لااقل می‌توانیم در سطح بین المللی و در افق جهانی، به مردم بگوییم که هدف و مقصد انبیا، ایجاد آن چنان رستاخیزی است.^۴

الگو سازی بهترین راه تبلیغ و ایجاد ایمان آگاهانه

بهترین تبلیغ، تبلیغی است که شخصیت عملی شما نسبت به آن اهداف و آرمانهای شما انجام خواهد داد و اثری که خواهد گذاشت: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ (۱) اوّل روی خودمان باید کار کنیم. (۱۳۹۶/۰۶/۰۶)

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْجَاهِدَ وَالصَّدْقَ وَالْوَرَعَ.

ترجمه:

بقره/285^۲

طرح کلی، ص 85^۳

طرح کلی اندیشه اسلامی، ص 402^۴

ابن ابی یغفور گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: مردم را به غیر از زبانتان دعوت به دین کنید، تا سعی و کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویشتن داری را از شما مشاهده کنند.^۵

ایجاد تمدن اسلامی یعنی زمینه سازی ظهور از طریق الگو سازی

ما می‌خواهیم آن نظام، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها (ای اسلامی) را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. ... انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برجیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است.

انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی.

بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم... دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزراء؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه.

مرحله‌ی چهارم که بعد از این است کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۶

۵۱)

مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

۶ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

ما آمدیم تا حیات طیبہ اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع تر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبہ اسلامی در کشور ما می‌تواند الگویی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره طیبہ بکنیم^۷ (و) در درجه بعد، همه جوامع بشری را.^۸

وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به عنوان یک ملت مُسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملت‌های دیگر هم روانه‌ی همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه‌ی عزّت و مایه‌ی ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیّت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیّت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقّق پیدا خواهد کرد؛ مقدّمه‌اش اینجا است؛ مقدّمه‌اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم.^۹

تمدن به صورت کامل در دوران ظهور

البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال میکنند دوران ظهور حضرت بقیة اللّٰه، آخر دنیاست! من عرض میکنم دوران ظهور حضرت بقیة اللّٰه، اوّل دنیاست؛ اوّل شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است، با مانع کمتر یا بدون مانع، با سرعت بیشتر، با فراهم بودن همه‌ی امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده‌ی وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه‌ی انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیر تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومیت‌تر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره‌ی ظهور، دوره‌ای است که بشریت میتواند نفس راحتی بکشد؛ میتواند راه خدا را طی کند؛ میتواند از همه‌ی استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده‌ی بهینه نمیشود؛ استعدادها ضایع و نابود میشود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور.^{۱۰}

۷. در دیدار روسای سه قوه و مسوولان نظام در تاریخ 71387/6/19.

۸. های شیراز در تاریخ 1387 / 02 / 14. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه 8

۹. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم 11/05/1395.

۱۰. 1379/7/14.